

کامنامہ الکترونیکی

پرسمان (۱۸)

سیاسی

ویژه مسئولان و هادیان سیاسی



معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

بهمن ماه ۱۳۹۷

۱۸

در این شماره می خوانید:

۱. دلیل کودتای مخالفان در ونزوئلا و اهداف آمریکا در این کشور
۲. دلایل شدت یافتن حملات اسرائیل به سوریه
۳. دلایل حمایت عربستان و آمریکا از عمرالبشیر در جریان ناآرامی های اخیر
۴. دلایل رویکرد اخیر اروپا در حرکت بر مدار ایران هراسی آمریکا
۵. نشانه ها و چرایی شکست نشست ۲۴ و ۲۵ بهمن ماه ورشو در مورد ایران پیش از برگزاری
۶. مهمترین اجزای رونمایی شده از استراتژی جدید مقاومت توسط سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان

۱- دلیل کودتای مخالفان در ونزوئلا چه بوده و آمریکا چه اهدافی در این

کشور دنبال می کند؟

آمریکا بار دیگر تمام توان خود را به کار گرفته تا دولت قانونی ونزوئلا را با کودتا ساقط و همه چیز را در آمریکای لاتین به زمانی برگرداند که دولت های این منطقه دست نشانده و اشنگتن بودند. طی چهار سال گذشته آمریکا به هر ابزاری متول شده تا دولت مستقل مادورو را به زیر بکشد. حمایت سیاسی و مالی و حتی نظامی از غربگرایان، تلاش برای ترور مادورو ، برهم زدن ثبات اقتصادی مادورو و حالا فتنه جدیدی که می رود تا ونزوئلا را در آتش قدرت پرستی کاخ سفید غرق کند. «مایک پنس» معاون رئیس جمهور آمریکا پیش از فتنه اخیر ونزوئلا، در پیامی ویدئویی ضمن دخالت مجدد در امور داخلی ونزوئلا و بدون اشاره به وضع تحریم ها علیه این کشور گفت: به نیابت از ترامپ رئیس جمهوری آمریکا حمایت خود را از مردم ونزوئلا اعلام می کنم! چهارشنبه سوم بهمن ماه نیز مخالفین نیکولاس مادرو که با حمایت آمریکا قوت قلب گرفته بودند به خیابان ها ریختند و «خوان گوایدو» رئیس شورای ملی ونزوئلا و رهبر مخالفان تحت امر آمریکا در این کشور خود را رئیس جمهوری موقت معرفی و سپس سوگند یاد کرد!! در پی این اقدام غیر قانونی بلا فاصله «دونالد ترامپ» رئیس جمهور و «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا در بیانیه هایی مداخله جویانه از این تصمیم استقبال کرده و گوایدو را به عنوان رئیس جمهوری موقت ونزوئلا به رسمیت شناختند! اندکی بعد، کشورهای کانادا، برزیل، آرژانتین، کلمبیا، شیلی، پرو و چند کشور دیگر، مواضع مشابهی اتخاذ کردند. در عین حال، مادورو که از کناره گیری خودداری کرده است، تقریبا با همان سرعت با ابراز حمایت ترکیه، روسیه، مکزیک، ایران و بولیوی روبرو شد که این موضوع موجب به وجود آمدن رویارویی بین المللی بر سر آینده ونزوئلا شده است.

در سال های جنگ سرد، آمریکای لاتین به حوزه نفوذ اتحادیه جماهیر شوروی تبدیل شد. مسئله تقابل اگرچه از سوییالیسم به چپ گرایی تغییر عنوان یافته است اما کشمکش ادامه دارد. افزایش نفوذ شوروی برای آمریکا بسیار گران آمد. به همین دلیل آمریکا علیه حکومت آنندۀ در شیلی دست به کودتای نظامی زد و از ژنرال های خشن در برزیل حمایت کرد و تمام تلاش خود را در جهت تقابل با شوروی به کار گرفت. در سال های پسا شوروی کوبا تنها کشوری بود که سنگر سوییالیسم را با چنگ و دندان حفظ کرد اما میل به سوییالیسم در کشورهایی نظیر ونزوئلا نمود یافت. تب چپ گرایی به شکلی تثبیت شده در کشورهایی نظیر آرژانتین و برزیل با توسعه اقتصادی بروز و ظهور پیدا کرد. آمریکا اگرچه از موج چپ گرایی رضایت نداشت اما توانست با نوعی تساهل و تسامح با برخی سیاستمداران، برای پروژه های خود زمان خریداری کند. واشنگتن با نفوذ در پارلمان برخی کشورهای ضعیف توانست مقدمات کودتای نرم پارلمانی را فراهم کند. عزل رئیس جمهوری هندوراس در سال ۲۰۰۹ نخستین آزمایش پروژه آمریکایی ها بود. در پاراگوئه به عنوان دومین پروژه کودتای نرم پارلمانی در سال ۲۰۱۲ عملیات برکناری رئیس جمهور چپ گرا عملیاتی شد. پس از مرگ هوگو چاوز در سال ۲۰۱۳ پروژه کودتای نرم دومینویی در آمریکای لاتین به شکل همزمان در

کشورهای آرژانتین، برباد، اکوادور، ونزوئلا و بولیوی نیز کلید خورد. در جریان انتخابات ۲۰۱۵ آرژانتین، کرنتر توسط مائوریسیو ماکری و زیر هجمه کشنه رسانه‌های غرب گرا از صحنه سیاسی حذف شد. پس از این تحولات، نوبت به قدرتمندترین کشور آمریکای لاتین رسید. برباز کشوری است که در ۱۳ سال تحت حاکمیت چپ‌ها اداره می‌شد. اما گویا این مسئله برای آمریکا بسیار گران آمد و علیه این جریان توطئه‌ای اجرا شد. سنای برباز اوایل اردیبهشت ۹۵ نشستی را درباره استیضاح «دیلما رووف»، رئیس جمهور این کشور به اتهام فساد مالی برگزار کرد و در نهایت وی برکنار و میشل تامر جایگزین وی شد. در سال ۲۰۱۸ نیز ژاپن بولسونارو که به ترامپ برباز مشهور است روی کار آمد و کودتای آمریکا در برباز پیروز شد.

آمریکا به صورت سنتی منطقه آمریکای لاتین را حیاط خلوت خود می‌داند اما نفوذ شوروی سابق در این منطقه این حیاط خلوت را بر هم زد و آمریکا دیگر نمی‌توانست آزادانه در آمریکای لاتین به تامین منافع خود بپردازد. در سال‌های بعد چین نیز نفوذ قابل توجهی در این منطقه کسب کرده است و نکته جالب توجه این است که این دو کشور هردو رقبای اصلی آمریکا در عرصه جهانی هستند و از طریق حمایت از حکومت‌های چپ گرا در آمریکای لاتین به گسترش نفوذ خود می‌پرداختند. از سوی دیگر ایران نیز در یک دهه اخیر توانسته است با گسترش همکاری‌ها در آمریکای لاتین جایگاه ویژه‌ای در این منطقه به دست بیاورد و از بدشานسی آمریکا، ایران نیز دشمن شماره یک واشنگتن است که حیاط خلوت آمریکا را بر هم زده است و دقیقاً ابزار و دروازه ورود ایران به این منطقه نیز حکومت‌های چپ گرا است. بنابراین آمریکا به نوعی به دنبال بستن این دروازه و کاهش نفوذ ایران، چین و روسیه در آمریکای لاتین است. با توجه به اینکه آمریکا بنا به دلایل متعدد دیگر نمی‌تواند به صورت نظامی در آمریکای لاتین دخالت و دولتهای چپ گرا را برکنار کند بنابراین سعی کرده است تا با نوعی حرکت خزنده، پروژه‌های خود را به پیش ببرد.

نگاهی به تاریخ اقدامات آمریکا در کشورهای مختلف در طول ۱۰۰ سال گذشته نشان می‌دهد این کشور به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در بیش از ۵ کودتا نقش داشته و در تعداد دیگری از این کودتاها نیز ناکام مانده است. اوج دخالت‌های آمریکا نیز در آمریکای لاتین بوده است. آمریکای لاتین ۱۸ کشور دارد که فقط از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۶ شاهد ۱۶۲ کودتا بوده است. بولیوی با ۱۸ کودتا رکورددار است. بازیگر خارجی بیشتر این کودتاها آمریکا بوده است.

در ونزوئلا نیز از زمان انتخابات ریاست جمهوری این کشور پروژه حذف مادورو وارد فاز اجرایی شد. مادورو در آن انتخابات که ۲۰ مه ۲۰۱۸ با مشارکت ۴۷.۷ درصد از واحدان شرایط برگزار شد با کسب ۶۷.۷ درصد آرا به پیروزی رسید. با وجود این، آمریکا و برخی از متحدبان این کشور بعد از مراسم تحلیف فشارها روی مادورو برای کناره‌گیری از قدرت را شدت بخشیدند. به علاوه، تنها دقایقی بعد از آنکه مادورو قدرت را به دست گرفت، «سازمان کشورهای آمریکا» (سازمانی متشکل از ۳۵ کشور قاره‌های آمریکا) با تصویب قطعنامه‌ای در جلسه فوق العاده شورای دائم خود ریاست جمهوری مادورو را غیرقانونی اعلام کرد. همزمان با آغاز به کار مجمع ملی ونزوئلا از ۵ ژانویه، فشارهای این مجمع و رئیس آن، گواییدو روی دولت مادورو برای کناره‌گیری از قدرت شدت گرفت. و در نهایت او ۲۳ ژانویه به عنوان رئیس جمهور خودخوانده ونزوئلا سوگند یاد کرد.

در واقع فتنه ای آمریکایی و یا بهتر است بگوییم فتنه ای غربی علیه ونزوئلا در حال جریان است. روزنامه وال استریت ژورنال فاش کرد طرح مخفی دولت آمریکا برای پیشنهاد کمک به خوان گواییدو، رهبر مخالفان ونزوئلا، از پیش تعیین شده و کاملاً هماهنگ شده بود. به نوشته این روزنامه آمریکایی، شب قبل از روزی که خوان گواییدو خود را «رئیس جمهور وقت ونزوئلا» خواند، وی تماسی تلفنی با مایک پنس، معاون رئیس جمهور آمریکا، داشت. پنس در این تماس تلفنی تأکید کرد اگر او (گواییدو) بتواند تمام امور را از نیکلاس مادورو (رئیس جمهور ونزوئلا) بگیرد، از حمایت آمریکا برخوردار خواهد بود. مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا نیز در اظهاراتی مداخله جویانه درباره وضعیت ونزوئلا، از مردم این کشور خواست تا علیه دولت مشروع و منتخب خود شورش کرده و دولت نیکلاس مادورو، رئیس جمهور قانونی ونزوئلا را سرنگون کنند. مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا حتی از اعلام آمادگی کشورش برای ارائه کمک‌های بشردوستانه به ارزش بیش از ۲۰ میلیون دلار به ونزوئلا خبر داد.

– حملات اسرائیل به سوریه بسیار شد گرفته است. دلیل اسرائیل برای این اقدام چیست؟

حملات اسرائیل به سوریه در چند ماه اخیر تشدید شده و تل آویو به بهانه حمله به پایگاه های ایران، مناطق مختلف سوریه را بمباران کرده است. این مسئله آنچنان مهم شده که بشار جعفری نماینده سوریه در سازمان ملل هشدار داد در صورت ادامه این حملات، سوریه نیز به تل آویو حمله خواهد کرد. در تازه ترین حملات، جنگنده های این رژیم بامداد دوشنبه اول بهمن ماه ماه مواضعی در اطراف دمشق را مورد حمله هوایی خود قراردادند. وزارت دفاع روسیه با اعلام اینکه پدافند موشکی ارتتش سوریه ۳۰ موشک متجاوز صهیونیستی را سرنگون کرده است، گفت که جنگنده های اسرائیلی از سه محور به این کشور حمله کردنند. ارتتش رژیم صهیونیستی برای نخستین بار با اذعان صريح و کم سابقه به تهاجم هوایی عليه اهدافی در سوریه، مدعی شد که این اهداف متعلق به ایران بوده است. علت حملات اسرائیل به سوریه موضوع مهمی است که در این مطلب بررسی می شود.

کارشناسان یکی از مهم ترین دلایل تشدید حملات اسرائیل به سوریه را به دلیل نیاز نتانیاهو به یک عامل خارجی برای کسب رای در انتخابات پارلمانی فروردین ماه می دانند. فروپاشی کابینه و انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات زودهنگام در فروردین ماه یکی از مهم ترین چالش های نخست وزیر اسرائیل است. به دنبال جنگ دوروزه و شکست اسرائیل در این نبرد، لیبرمن وزیر جنگ استعفا و به دنبال آن پارلمان اسرائیل فروپاشید. اکنون نتانیاهو برای انتخابات فروردین ماه با چالش های زیادی مواجه است. پلیس اسرائیل روز یکشنبه ۱۱ آذر (دوم دسامبر) با انتشار بیانیه ای اعلام کرد مدارک و شواهد کافی علیه بنیامین نتانیاهو در دست دارد که نشان می دهد او و همسرش در پرونده فساد مالی موسوم به "چهار هزار" متهم هستند. این مسئله می تواند سرنوشت وی را در انتخابات فروردین ماه به چالش بکشد. درواقع نتانیاهو سعی دارد باهدف پیروزی در انتخابات به نوعی دستاوردهای منطقه ای خود را افزایش دهد. در این راستا سفر وی به چاد و برقراری روابط رسمی با این کشور که اخیراً صورت گرفت یکی از مهم ترین اقدامات به شمار می رود. علاوه بر این نتانیاهو سعی دارد با حملات متعدد به سوریه به پایگاه های ایران در این کشور، گروه های تندرو و جنگ طلب اسرائیل را با خود همراه کند. وی سعی دارد تا از این طریق برای انتخابات ۲۰۱۹ رضایت برخی گروه ها را برای ائتلاف را جلب کند.

یکی دیگر از دلایل تشدید حملات اسرائیل به سوریه تلاش این رژیم برای درگیر کردن بیشتر آمریکا در سوریه است. پس از آنکه دونالد ترامپ اعلام کرد که به زودی نظامیان آمریکایی از سوریه خارج خواهند شد اسرائیل به شدت وحشت زده شده و خود را در برابر مقاومت سوریه تنها دیده است. حتی بسیاری از اندیشه کدهای غربی نیز معتقد بودند که خروج احتمالی آمریکا از سوریه به معنای شکست بزرگ اسرائیل خواهد بود. به همین دلیل نتانیاهو سعی دارد تا با حملات متعدد به سوریه به نوعی آمریکا را نیز درگیر این حملات کند. چرا که در صورت واکنش قاطع سوریه به حملات اسرائیل قطعاً آمریکا نیز برای حمایت از متحد خود وارد عمل شده و خروج خود از سوریه را به تاخیر خواهد انداخت.

دلیل مهم دیگر تشدید حملات به سوریه این است که اسرائیل از حملات متعدد خود به سوریه نتایج لازم را نگرفته و به همین دلیل به تشدید حملات ادامه می دهد. بهانه حملات اسرائیل نیز حضور نیروهای ایرانی در سوریه است. در پی دو سال حمله های متعدد ارتتش رژیم صهیونیستی به اهداف متعددی در خاک سوریه، نه تنها عزم نیروهای ایرانی برای باقی ماندن در سوریه متزلزل نشده بلکه دولت سوریه نیز به صراحت بیان کرده که نیروهای ایرانی با درخواست دولت سوریه در این کشور حضور دارند و تا زمانی که دولت سوریه بخواهد در این کشور باقی خواهند ماند. مقامات اسرائیلی که از پیامدهای غیرقابل پیش بینی هدف قراردادن مستقیم نیروهای ایرانی واهمه داشته، عمل از این کار اجتناب کرده و به وارد کردن خسارت های نظامی و تسليحاتی و مالی اکتفاء می کرددند. حال، رژیم صهیونیستی به این نتیجه رسیده که باید تاکتیک جدیدی در حمله های خود در پیش گیرد تا نیروهای ایرانی را وادار به خروج از سوریه کند. تاکتیک جدید این است با حمله های متعدد، پی در پی و سنگین به واحد های ارتتش سوریه، این پیام را به طرف سوری بدهد که "هزینه باقی ماندن نیروهای ایرانی در سوریه را ارتش این کشور پرداخت خواهد کرد."

در واقع اسرائیل سعی دارد با این حملات به نوعی دمشق را در فشار سیاسی بی سابقه ای قرار دهد. این فشار نیز به این ترتیب است که دمشق باید میان حضور نظامیان ایران و تداوم حملات اسرائیل دست به انتخاب بزند.

بدین ترتیب، مقامات اسرائیلی امیدوارند که با تحت فشار شدید قراردادن ارتش سوریه، ضمن ایجاد اختلاف و شکاف بین نظامیان این کشور و نیروهای سپاه، دولت سوریه را مجبور کنند تا خواستار خروج نیروهای ایرانی از خاک این کشور شود. بنابراین قابل پیش بینی است که حمله های هوایی و موشکی ارتش رژیم صهیونیستی به ارتش سوریه در هفته های آینده و به بهانه های مختلف تشدید گردد.

در کل به نظر می رسد اسرائیل با هدف قراردادن برخی پایگاه های قدیمی ارتش سوریه که متروکه بوده سعی دارد با اعلام اینکه پایگاه های نظامی ایران در سوریه را هدف قرارداده به نوعی بازی روانی روی بیاورد. هدف این بازی نیز تحت فشار قرار دادن دمشق است. فشاری که هدف آن خروج نظامیان ایران از سوریه خواهد بود. در صورتی که ایران به درخواست رسمی سوریه در این کشور حضور داشته و تازمانی که دمشق بخواهد به حضور خود نیز ادامه خواهد داد.

۳- دلایل حمایت عربستان و آمریکا از عمر البشیر در جریان ناآرامی های اخیر چیست؟

اعتراضات در سودان نسبت به گرانی و افزایش قیمت حامل های انرژی در ۱۹ دسامبر ۲۰۱۸ از شهر «عطبره» واقع در شرق سودان آغاز شد. این تظاهرات دو روز پس از اعتراضاتِ صدها نفر از دانشآموزان سودانی در اعتراض به گرانی کالاهای در دو شهر «الفasher» در منطقه دارفور(غرب) و «الدمازین» واقع در ۸۰۰ کیلومتری جنوب شرق پایتخت سودان صورت گرفت. این اعتراضات خیلی زود به سایر شهرهای سودان از جمله پایتخت این کشور رسید. خواسته معترضان به سرنگونی نظامی حاکم کشیده شد. اعتراضات زمانی در سودان آغاز شد که «الصادق المهدی» نخست وزیر سابق سودان و رئیس ائتلاف «نداء سودان» که از مخالفان البشیر است از لندن به خارطوم بازگشت و در جمع طرفداران خود از تلاش برای تغییر دموکراتیک و انتقال مسلط آمیز قدرت در سودان سخن گفت. سخنان وی در شرایطی بود که طی ماه های اخیر دولت سودان و طرفداران عمر البشیر تلاش هایی را برای تغییر قانون اساسی این کشور در راستای فراهم کردن بستر قانونی برای باقی ماندن وی در قدرت آغاز کرده اند.

ما نکته جالب این است که با وجود سرکوب اعتراض ها و دستگیری برخی از مخالفان، تعدادی از کشورها مانند عربستان و آمریکا به بقای عمر البشیر تمايل دارند. در این مطلب دلایل عربستان و آمریکا برای حمایت از عمر البشیر و بقای وی را بررسی می کنیم.

عربستان تا مدت ها در برابر اعتراضات مردمی در سودان سکوت کرد اما در نهایت با تاخیر زیاد موضع گیری کرد. علی بن حسن سفیر سعودی در خارطوم اعلام کرد سعودی در کنار دولت و ملت سودان است تا بتواند به گامهای خود در زمینه تحقق ثبات و امنیت ادامه دهد. اما چرا عربستان از عمر البشیر حمایت می کند؟

امارات و عربستان در ۲ سال اخیر تلاش های خود را در سطح دیپلماتیک برای حمایت و همکاری با خارطوم به ویژه در پرونده لغو تحریمهای اقتصادی آمریکا علیه سودان، به کار بسته اند و می کوشند به این طریق سودان را به تغییر موضع درخصوص مسائل راهبردی منطقه سوق دهند. تعطیلی مراکز فرهنگی ایران و سپس قطع رابطه سودان با تهران، مشارکت فعال سودان در عملیات «عاصفه الحزم» (طوفان قاطعیت) یا همان جنگ ضد یمن و انکار هر گونه رابطه با جنبش های اخوان المسلمين در سطح جهان از سوی سودان، از نشانه های تسلیم خارطوم در برابر این تلاش ها بوده است. در واقع گرم شدن روابط ایران و سودان باعث نگرانی عربستان شد. به همین دلیل ریاض به کمک دلارهای خود سعی داشت تا خارطوم را از تهران جدا کند. در نهایت وعده و وعیدهای ریاض باعث شد تا سودان در سال ۲۰۱۶ مسیر خود را از تهران جدا کند و به سمت ریاض تغییر مسیر داد. سفر اخیر عمر البشیر به سوریه به عنوان اولین حاکم عربی پس از ۷ سال نشان دهنده این است که سودان چندان در موضع خود ثابت قدم نبوده و احتمال تغییر مسیر این کشور به سمت محور مقاومت وجود دارد. بنابراین حتی اگر این احتمال چندان بالا نباشد اما ریاض از نزدیک شدن یک کشور دیگر به ایران واهمه دارد و برای جلوگیری از این مسئله اتحاد خود با عمر البشیر را مستحکم تر کرده است. در واقع عربستان تلاش دارد تا با حمایت از عمر البشیر وی را به نوعی وام دار خود کرده و نوع نگاه وی را نسبت به تحولات راهبردی کنترل کند.

یکی دیگر از مهم ترین دلایل حمایت ریاض از عمر البشیر مشارکت سربازان سودانی در جنگ یمن است. سودان به طور رسمی شمار نظامیان خود در ائتلاف علیه یمن را اعلام نکرده، اما پیش از این نیز بارها اعلام کرده حاضر است ۶ هزار

نظامی به یمن اعزام کند. البته شبکه الجزیره شمار نیروهای سودانی در یمن را ۸ هزار اعلام کرده که بزرگترین تعداد نیرو در بین کشورهای دیگر در جنگ یمن به شمار می‌رود. در واقع اعزام نظامیان سودانی به جنگ یمن در حالی است که مقامات سابق و کنونی نظامی این کشور حضور سودان در این جنگ را اشتباه قلمداد کرده و آن را تهدیدی برای امنیت ملی کشورشان می‌دانند و «محمد بشیر سلیمان» از مسئولان سابق هیات فرماندهی ارتش سودان معتقد است که تصمیم دولت برای مشارکت در جنگ یمن امنیت ملی سودان را تهدید می‌کند و به دلیل عوارض طبیعی و ناهمواری‌های پایش پایانی ندارد و در این میان این عربستان است که همواره در معرض موشک‌های یمنی قرار دارد! نیویورک تایمز اخیراً در تحلیلی اعلام کرد عربستان با سوء استفاده از وضع معیشتی سودانی‌هایی که در جنگ دارفور امید و دارایی‌های خود را از دست داده بودند، کودکان آنها را به جنگ در یمن می‌فرستد. در واقع افزایش مخالفت‌ها با حضور نظامیان سودانی در جنگ یمن و نیاز شدید عربستان به این نظامیان باعث شده است تا بهترین گزینه برای عربستان بقای عمر البشیر باشد. چرا که برکناری وی به معنای بازگشت نظامیان سودانی از یمن خواهد بود و عربستان موقعیت خود را در یمن بیش از پیش در خطر خواهد دید. به همین دلیل هرگونه تغییری در وضعیت کنونی سودان به معنای تحت تاثیر قرار گرفتن موقعیت ریاض در یمن خواهد بود.

علاوه بر این انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱ که از تونس شروع شد هراسی راهبردی در کشورهای پادشاهی عربی به راه انداخت. چرا که در پادشاهی‌های عربی در صورت به راه افتادن موج تغییر و اعتراضات مردمی، موجودیت سیستم‌های پادشاه به خطر خواهد افتاد. در واقع برخی از حکومت‌های عربی مانند امارات و عربستان به این دلیل اقدام به حمایت از عمر البشیر کرده اند تا از تکرار انقلاب‌های عربی همانند سال ۲۰۱۱ جلوگیری کنند؛ انقلاب‌هایی که هدف اصلی مردم در آن سرنگونی دیکتاتورها خواهد بود.

آمریکا هم به صورت صریح در مورد اعتراضات اخیر سودان موضع گیری نکرده اما خواستار خویشتن داری دولت این کشور در برابر مخالفان شده است. اما برخی کارشناسان و رسانه‌ها معتقدند آمریکا چندان با برکناری عمر البشیر موافق نیست. در واقع با وجود عدم حمایت علنی اروپا و آمریکا از البشیر، اما آن‌ها برای حفظ ثبات سودان تلاش می‌کنند چرا که هر نوع بی‌ثباتی در سودان می‌تواند به سرازیر شدن مهاجران سودانی به سمت اروپا منجر شود. بحران لیبی و سوریه باعث هجوم پناهجویان زیادی به کشورهای غربی شد که باعث به وجود آمدن تهدیدات امنیتی زیادی در اروپا شد. به نظر می‌رسد آمریکا سقوط و برکناری عمر البشیر را به معنای سرازیر شدن موج جدید پناهجویان به غرب می‌داند و این مسئله می‌تواند چالش جدیدی برای غرب به شمار رود. به همین دلیل کشورهای غربی و به ویژه آمریکا به صورت قاطع علیه عمر البشیر در اعتراضات اخیر موضع گیری نکرده اند.

۴- اروپا اخیراً بیش از قبل بر مدار ایران هراسی آمریکا حرکت می‌کند. دلایل این اقدام اروپا

چیست؟

یکی از مهمترین بخش‌های سیاست منطقه‌ای آمریکا مربوط به ایران است. در دولت‌های مختلف آمریکا سیاست‌های متفاوتی برای مقابله با نفوذ ایران در نظر گرفته شده است. اما بدون تردید ایران هراسی همواره به عنوان اصل کانونی سیاست خاورمیانه ای آمریکا شناخته شده است. این سیاست اکنون از سوی اروپا نیز اتخاذ شده است. کشورهای اروپایی که پس از خروج آمریکا از برجام به دنبال آن بودند تا با اعطای برخی امتیازها به ایران مانع از خروج ایران شوند اکنون خود در مسیر سیاست‌های ضد ایرانی حرکت می‌کنند. در واقع اروپا نیز اکنون به سیاست ایران هراسی آمریکا روی آورده است.

در زمان امضای برجام توسط گروه ۵+۱ بسیاری از مفاد آن در دولت اوباما مسکوت ماند و با وجود اجرای کامل تعهدات توسط ایران، به دلیل کارشکنی آمریکایی‌ها، ایران نتوانست از مزایای اقتصادی مورد نظر در برجام به طور کامل بهره‌مند شود و عملاً مشکلات دوران تحریم ادامه یافت. با روی کار آمدن ترامپ و خروج او از برجام و اعلام مجدد تحریم‌ها علیه ایران، طرفهای اروپایی با محکوم کردن این اقدام، از ادامه حفظ برجام حمایت کردند و مذاکرات جدیدی بین ایران و اروپا برای دستیابی به راهکار جدید دور زدن تحریم‌های آمریکا آغاز شد که در نهایت به طرح SPV یا کانال مالی ایران و اروپا

منتج شد. اروپایی‌ها که در زمان خروج ترامپ از برنامه اعلام کردند سازوکار مالی جایگزین با ایران را راه اندازی خواهند کرد، به بهانه دشواری‌های ناشی از تحریم‌های ثانوی آمریکا، مکررا آن را به تعویق انداختند تا نهایتاً یک روز پیش از آغاز تحریم‌ها ۵ نوامبر (۱۳ آبان) از راه اندازی آن خبر دادند که این بیانیه نیز تا کنون در حد اعلام موضع باقی مانده و هنوز اجرایی نشده است.

علاوه بر این برخی از اقدامات اروپا به خوبی نشان دهنده تشدید رویکرد ضد ایارنی اروپا است:

-**تحریم وزارت اطلاعات:** ۱۸ دی ماه وزارت خارجه دانمارک در بیانیه‌ای اعلام کرد که اتحادیه اروپا تصمیم گرفته است که یکی از معاونت‌های وزارت اطلاعات ایران را به دلیل اقداماتش در خاک اروپا در فهرست "گروه‌های تروریستی" این اتحادیه قرار دهد. دانمارک حدوود دو ماه پیش ایران را به برنامه‌ریزی برای قتل یکی از مخالفان جمهوری اسلامی در خاک خود متهم کرد. همزمان هلن دم ایران را به دست داشتن در قتل دو نفر مخالفان جمهوری اسلامی در خاک هلن متهم کرده و گفته است که توصیه این کشور در تصمیم تازه اتحادیه اروپا علیه وزارت اطلاعات ایران موثر بوده است. در واقع این تصمیم اتحادیه اروپا دقیقاً برخلاف تعهدات در مورد کانال مالی و عده داده شده اروپا با ایران بود و نشان دهنده این است که اروپا نیز همانند آمریکا قابل اعتماد نبوده و نمی‌توان برای ادامه برنامه روى و عده‌های این اتحادیه حساب کرد.

-**درخواست فرانسه از ایران:** اخیراً وزارت امور خارجه فرانسه از ایران درخواست کرد تا به تمام فعالیت‌های موشکی مرتبط با موشک‌های بالستیک پایان دهد. این موضع گیری مقامات فرانسه کاملاً در راستای سیاست‌های دولت ترامپ علیه تهران اتخاذ شده است. نکته خنده دار این است که مقامات فرانسه حمایت خود را از برنامه اعلام کرده اند و از مقامات تهران خواسته اند علی رغم تحریم‌های آمریکا در توافق هسته‌ای بمانند. مقامات اروپایی و به خصوص فرانسه مدت‌هاست به مقامات ایران و عده ایجاد سازوکاری مالی جهت دور زدن تحریم‌های آمریکا داده اند، با این وجود هنوز اقدامی عملی در این راستا صورت نداده اند. مقامات فرانسوی با عده توخالی به تهران، ایجاد سازوکار جدید مالی را منوط به موارد بی شماری از جمله الحق ایران به کتوناسیون‌های مختلف بین المللی و مالی کرده اند و بعید نیست با موضع گیری‌های اخیر ایجاد این ساز و کار مالی را به تعلیق برنامه مشروع موشکی ایران گره بزنند. پیش از این هم وزیر خارجه آمریکا با طرح ادعاهایی علیه برنامه فضایی و موشکی ایران مدعی شد که پرتاب ماهواره‌بر به فضا «نقض» قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل است. اظهارات آمریکایی‌ها درباره «نقض» قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل توسط برنامه موشکی ایران در حالی صورت گرفته که این قطعنامه صرفاً از ایران «درخواست» کرده که موشک‌های بالستیکی که برای حمل کلاهک اتمی طراحی شده‌اند را آزمایش نکند. در واقع فرانسه که یکی از کشورهای اصلی اروپا در زمینه ایجاد کانال مالی با ایران است عملاً در مسیری حرکت کرده که دونالد ترامپ طراحی کرده است.

در واقع اتحادیه اروپا از ۹ ماه پیش سعی داشت که در زمینه خروج آمریکا از برنامه خود را پلیس خوب نشان دهد و به نوعی ایران را تشویق به ماندن در برنامه کند. به همین دلیل و عده ایجاد کانال مالی جدید با ایران را داد. اما در این مدت در سه مرحله‌ای که قرار بوده این کانال راه اندازی شود همواره کشورهای اروپایی نقض عهد کرده اند. علاوه بر این درخواست فرانسه برای توقف فعالیت‌های موشکی ایران در کنار تحریم وزارت اطلاعات از سوی اتحادیه اروپا و همچنین متهم کردن ایران از سوی برخی از کشورهای این اتحادیه به حمایت از تروریسم همگی نشان دهنده این است که اروپا به دنبال اجرای تمهدات خود در زمینه برنامه نیست. اکنون اروپا نیز دقیقاً در مسیر سیاست‌های ایران هراسانه آمریکا حرکت می‌کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران جمهوری اسلامی ایران، در نخستین واکنش به خروج آمریکا از برنامه، خطاب به مقامات کشور گفت که نه آمریکا قابل اعتماد است، نه اروپا. در شرایط کنونی نیز اروپا دقیقاً در همین مسیر حرکت می‌کند و ایران هراسی به شاه بیت فعالیت‌های مشترک اروپا و آمریکا علیه ایران تبدیل شده است.

۵- نشست ورشو در مورد ایران که قرار است ۲۴ و ۲۵ بهمن ماه برگزار شود پیش از برگزاری با

شکست مواجه شده است. دلیل این مسئله چیست؟

مايك پمپئو وزیر خارجه آمریکا در سفر دوره ای خود در قاهره دکترین جدید سیاست خارجی آمریکا در منطقه را اعلام کرد. نقطه کانونی این دکترین مقابله با ایران و تشدید جو ایران هراسی است. پمپئو در سخنرانی ۳۵۰۰ کلمه‌ای خود در

قاهره ۲۷ بار نام ایران را به زبان آورد. وزیر خارجه آمریکا در قاهره تاکید کرد، ما تا زمانی که ایران رفتار خود را مانند یک کشور هنجرمند تغییر ندهد، فشارها را سخت‌تر و سخت‌تر خواهیم کرد. علاوه بر این، بین المللی کردن مقابله با ایران نیز یکی از محورهای دکترین ترامپ است. در این ارتباط قرار است ۲۴ و ۲۵ بهمن همایشی ضد ایرانی به میزبانی آمریکا در لهستان برگزار شود. هدف اصلی این همایش نیز تشدید ایران هراسی و نزدیک کردن دیدگاه آمریکا و اروپا در مورد تهدید های ایران است. بررسی نوع واکنش ها به این نشست نشان دهنده این است که نباید انتظار هیچ موفقیتی از این نشست را داشت و همانطور که هآلراتص تاکید کرده تنها دستاورده این نشست احتمالاً گرفتن عکس های یادگاری توسط نتانیaho خواهد بود. اکنون حتی خبرهایی از احتمال لغو این نشست نیز به گوش می‌رسد. در این ارتباط روزنامه وال استریت ژورنال با اشاره به انتقادات مطرح شده علیه نشست ورشو، نوشتۀ است برخی از دیپلمات‌های اروپایی گمان می‌کنند که احتمال دارد این نشست لغو شود. دیپلمات‌های اروپایی گمان می‌کنند ممکن است به واسطه میزان مشارکت اندک کشورها یا حضور آن‌ها با مقام‌های رده پایین، پمپئو در دقیقه ۹۰ این نشست را لغو کند. موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پیش از این مخالفت خود را با شرکت در این نشست اعلام کرده بود. روسیه نیز به صورت تلویحی از مخالفت خود با برگزاری این نشست خبر داده بود. در همین ارتباط «واسیلی نینزیا» نماینده روسیه در سازمان ملل، ضمن انتقاد شدید از برگزاری نشست ضد ایرانی در لهستان، آن را «садه‌انگارانه» توصیف کرد.

از سوی دیگر «جاناتان کوهن» نماینده وقت آمریکا در سازمان ملل در واکنش به انصراف شماری از کشورها از شرکت در این نشست، از اظهارات پمپئو عقب‌نشینی کرد و گفت قرار نیست ورشو به محلی برای «بدنام کردن ایران» بدل شود، بلکه صرفاً به چالش‌های پیش روی غرب آسیا می‌پردازد.

تلاش آمریکا برای برگزاری یک نشست ضد ایرانی در حالی است که بسیاری این مسئله را به سخره گرفته اند. چرا که ایران در منطقه همواره به دنبال مبارزه با تروریسم بوده و بر عکس برخی از متحдан منطقه ای آمریکا در راستای افراطی گری تلاش کرده اند. نشان اینترست در این ارتباط اعلام کرد که تصور آمریکا در مورد اینکه ایران عامل مشکلات است غلط و اشتباه بوده و آمریکا باید برای این منظور به عربستان هم نگاهی بیندازد.

پیش از این نیز نیویورک تایمز در ادامه دلایل شکست طرح ضدایرانی آمریکا در منطقه نوشتۀ بود: «برخی کشورهای عربی در پذیرفتن ریسک مقابله با ایران تعطّل خواهند کرد، کشورهای کوچکتر، مانند کویت و عمان، مناسبات دیپلماتیک و تجاری با ایران دارند و بعيد است به دشمنی‌ها علیه ایران ملحق شوند. عراق هم تحت کنترل عرب‌های شیعه است و مرزی طولانی و مناسبات فرهنگی، مذهبی و سیاسی عمیقی با ایران دارد. مقامات دولت ترامپ از رهبران عراق خواسته‌اند مناسبات اقتصادی خود را با ایران قطع کنند، و از عربستان و دیگر کشورهای عرب خواسته‌اند به بهبود اقتصاد عراق کمک کنند. اما دولت عراق به هیچ تمايلی برای مخالفت با ایران نشان نداده است.»

اندیشکده آمریکایی هریتیج نیز تاکید کرده بود، تلاش آمریکا برای ایجاد ائتلاف منطقه‌ای موسوم به «ناتوی عربی» یک تلاش دشوار خواهد بود، چرا که بسیاری از سران عرب نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد بوده و در حال رقابت با یکدیگر در منطقه هستند. به گونه‌ای که پاشنه آشیل این ائتلاف اختلافات قطر و دیگر کشورهای عربی به واسطه نزدیکی قطر به جمهوری اسلامی ایران است.

۶- سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان اخیراً از استراتژی مقاومت رونمایی کردند. مهمترین اجزای این استراتژی چیست؟

دبیر کل حزب الله لبنان شنبه ۶ بهمن در گفت‌وگویی سه ساعته با شبکه خبری المیادین، پس از سه ماه سکوت مطالب بسیار مهمی در مورد ترکیه، یمن، عربستان، سوریه و اسرائیل مطرح کرد. اما شاه بیت سخنان دبیر کل حزب الله لبنان، شکست طرح های صهیونیستی برای مقابله با محور مقاومت بود. در واقع سید حسن نصرالله به نوعی پرده از استراتژی محور مقاومت برداشت. در ادامه برخی از مهمترین محورهای سخنان دبیر کل حزب الله لبنان تحلیل می‌شود.

تلاش برای خروج ایران از سوریه یکی از مهم ترین اهداف امریکا و اسرائیل در چند سال اخیر بوده که بدین منظور فشار بی سابقه‌ای بر دمشق وارد شده است. در واقع اسرائیل بر این تصور است که رسیدن نظامیان ایرانی به مرزهای جولان به معنای تنگ شدن حلقه امنیتی علیه تل آویو است. به همین دلیل بعد از اعلام خروج نظامیان آمریکایی از سوریه توسط ترامپ، بسیاری از مقامات اسرائیلی به انتقاد از این مسئله پرداختند و این کار را به معنای تنها گذاشتن اسرائیل در برابر ایران تفسیر کردند. علاوه بر این اسرائیل در ماه‌های اخیر یکی از اهداف حملات خود به سوریه را هدف قراردادن پایگاه‌های ادعایی وابسته به ایران اعلام کرده است. در واقع اسرائیل تلاش داشته تا با فشار بر دمشق زمینه را برای خروج نظامیان ایرانی از سوریه فراهم کند. در این مورد سید حسن نصرالله اعلام کرد: «دشمن صهیونیستی به دنبال این بوده که ایران را از سوریه خارج کند. رفتند و آمدند. اما نتیجه چه شد؟ شکست خوردند. اسرائیل همه امیدش در سوریه بر باد رفته و از سال ۲۰۱۱ همه تلاش‌هایش بی‌نتیجه مانده است. نیروهای سوریه قوی‌تر شده و ارتش با تجربه‌تر شده است. هدف خارج کردن ایران از سوریه همه در سطح سیاسی و همه در سطح نظامی شکست خورده است.»

نابودی موشک‌های حزب الله لبنان نیز یکی از مهم ترین اهداف استراتژیک اسرائیل در سال‌های اخیر بوده است. شبکه دوم تلویزیون رژیم صهیونیستی اخیراً از توان موشکی حزب الله ابراز شگفتی کرد و اعلام کرد که حزب الله ۱۵۰ هزار موشک در اختیار دارد. این مسئله برای اسرائیل به معنای کابوس بزرگ امنیتی و حتی تهدید بزرگ وجودی به شمار می‌رود. از این رو در چند سال اخیر رژیم صهیونیستی با هدف قراردادن مسیرهای انتقال سلاح به حزب الله سعی داشته قدرت حزب الله را تضعیف کند که در این مسیر ناموفق بوده است. در این مورد نصرالله تاکید کرد که اسرائیل برای تجاوز به سوریه هدفی تعیین کرد، اهدافی لجستیک را زدید که موشک‌های نقطه‌زن و سلاح‌های پیشرفته به حزب الله نرسد. این را آیزنکوت گفته است که ما ۲۰۰ حمله کردہ‌ایم. نتیجه چه شد؟ شما نتوانستید مانع رسیدن امکانات مورد نیاز به لبنان شوید، پس شکست خوردید.

یکی دیگر از مهمترین محورهای سخنان نصرالله به عملیات سپر شمال و نابودی تونل‌های ادعایی حزب الله مربوط بود. نصرالله با اشاره به عملیات سپر شمال و نابودی تونل‌های حزب الله بدون تایید مستقیم وجود این تونل‌ها اعلام کرد که در درجه اول این مسئله نشان دهنده شکست دستگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل بود چرا که برخی از این تونل‌ها ۱۳ سال عمر داشته‌اند. علاوه بر این نتایی‌ها با این عملیات رسانه‌ای، ترس و هراس را به دل شهروکنشینان وارد کرد و در جنگ روانی به ما خدمت کرد چرا که شهروکنشینان را به شدت ترساند و آنها از این به بعد صدای هر چکشی را بشوند می‌ترسند.

در کل سخنرانی حزب الله لبنان از دو بعد کلی قابل تحلیل است. از یک طرف تهدید حزب الله مبنی بر حمله به اسرائیل در صورت هرگونه حماقت نشان دهنده این است که قدرت بازدارندگی ایران در منطقه در برابر اسرائیل بسیار افزایش داشته است و ایران بدون رویارویی مستقیم با صهیونیست با قدرت بازدارنگی خود را ارتقا داده است چرا که اخیراً مقامات عراقی نیز اسرائیل را تهدید کردند که هرگونه حماقت را به شدیدترین وجه پاسخ خواهند داد. از سوی دیگر محورهای سخنان نصرالله اجزای استراتژی مقاومت را تشکیل داد. مهمترین رکن این استراتژی نیز شکست قطعی اسرائیل در هرگونه تجاوز احتمالی خواهد بود. شاید بتوان کلیدی ترین جمله نصرالله را در این مصاحبه که بیانگر استراتژی جدید مقاومت نیز است این جمله دانست که تا امروز دشمن می‌گفت، گزینه‌های ما روی میز است اما امروز مقاومت در جایگاهی است که می‌تواند بگوید، تمام گزینه‌های ما روی میز است.